



کفت و کو

مظاهری و بانک مرکزی

در این مقاله مظاهری از دیدگاه آقای دکتر احمدی نژاد در مورد سیستم بانکی می‌داند. ایشان از همان اول در سخنرانی‌هایشان سیستم بانکی را عامل اصلی مشکلات اقتصادی می‌دانستند. عجیب بود آقای مظاهری که یک عمر در این مجموعه بانکی و سیاست‌های پولی و مالی کار کرده، قبول کرد رئیس کل بانک مرکزی شود؟

شما دیدگاه آقای دکتر احمدی نژاد را در مورد سیستم بانکی می‌دانستید. ایشان از همان اول در سخنرانی‌هایشان سیستم بانکی را عامل اصلی مشکلات اقتصادی می‌دانستند. عجیب بود آقای مظاهری که یک عمر در این مجموعه بانکی و سیاست‌های پولی و مالی کار کرده، قبول کرد رئیس کل بانک مرکزی شود؟

دکتر مورد دیدگاه‌های آقای احمدی نژاد و چیز را می‌دانستم؛ یکی دیدگاه او به سیستم بانکی، دیگری هم دیدگاه ایشان نسبت به مسئولین قبلی دولت و دولت قبلی که من هم جزء آنها بودم.

آقای احمدی نژاد می‌دانست که من آدم حزبی و گروهی نیستم. از زمانی که شهر دار شده بود، خود ایشان شاهد بود که من سعی می‌کردم مثل رابطه‌ای که با همه دارم یک رابطه فنی، تخصصی، علمی، اجرایی و فارغ از بحث‌های گروهی داشته باشم.

زمانی که ایشان شهر دار بودند من در وزارت دارایی کار می‌کردم، یکی از موضوعات مهم در دولت (که هنوز هم بعضی وقت‌ها پیش می‌آید اختلاف حساب دولت با شهرداری است) بده بستان‌ها، طلب و بدهی‌ها بود.

۳۰۰ میلیارد تومان هم همان‌جا مطرح شد؟

کدام ۳۰۰ میلیارد؟

اختلاف در حساب‌های شهرداری.

توجه. آن بحث حساب‌های داخلی شهرداری است و من در جریان آن نبودم. بحث ما طلب‌هایی بود که شهرداری بابت کاربری از دستگاه‌های دولتی دارد و طلب‌هایی که دولت از شهرداری دارد.

از شما برای ریاست کلی بانک مرکزی، برنامه هم خوب استند؟

لوقتی که از من دعوت کرد، دو برنامه چند صفحه‌ای به ایشان دادم. ایشان هم برنامه‌ها را خواندند و قبول کرد.

در مورد نرخ سود بانکی نظر تان را صراحتاً گفته

بودید؟

در برنامه‌های پیشنهادی بود. کل برنامه وجود دارد. اصلاً علت اینکه ریاست کل بانک مرکزی را قبول کردم این بود که آقای احمدی نژاد برنامه‌ها را قبول کرد. وقتی این را پذیرفت آقای شیبانی هم کارش را خاتمه داده بود. بنده هم گفتم با توجه به این که برنامه‌ها را قبول کرد بدمی پذیرم.

آقای شیبانی هم در جریان این تغییر بود؟

بله.

مگر دلیل برداشتن آقای شیبانی مقاومت ایشان در برابر کاهش نرخ سود بانکی نبود؟

من دلیل آن را نمی‌دانم. علت این مسئله را یا خود آقای شیبانی باید بگوید یا آقای احمدی نژاد.

پذیرفتن برنامه شما توسط آقای احمدی نژاد، یعنی تغییر ۱۸۰ درجه‌ای سیاست‌های ایشان نسبت به بانک.

کمی دانم معنی این قضیه چیست. این برداشت شما است.

شما بگویند سیاست آقای احمدی نژاد در مورد بانک‌ها چه بود؟

در چه مقطعی؟ برای مقطع فعلی یا اول دولت؟ از همان ابتدا که شما آمدید.

در ابتدا دولت یک جور بود، اما زمانی که به بنده گفت بیا، گفتم که مطالب‌های منی نویسم. مطالب‌ها را نوشتم و به ایشان دادم، تأیید کردند. ما هم برای اجرای آن رفتیم.

اما هیچ وقت چه قبل از آمدن شما به بانک مرکزی و چه بعد از آن، نظر آقای احمدی نژاد در مورد سیستم بانکی تغییر نکرد. ادبیات ایشان نشان می‌داد. احمدی نژاد همیشه بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی را ناشی از عملکرد ضعیف بانک‌ها می‌دانند.

لبرنامه‌هایی را که نوشتم به شما می‌دهم، چیز محرمانه‌ای نیست. این برنامه در حد سواد آن روزم کامل و قابل ارائه است. همان بسته‌ای است که در مقیاس کوچکی در بانک توسعه صادرات آن را اجرا کردم و ایشان همان موقع هم حمایت کرد. واقعاً اگر حمایت ایشان نبود هیچ کدام از آن کارها در بانک توسعه صادرات انجام نمی‌شد. کوچکی‌ترین آنها افزایش سرمایه بانک بود. این برنامه را هم که دادم ایشان گفتند قبول است و ما هم رفتیم بانک مرکزی و یا علی گفتیم.



مظاهری: علت اینکه ریاست کل بانک مرکزی را قبول کردم این بود که آقای احمدی نژاد برنامه‌ها را قبول کرد

■ یک تحلیل در مورد آوردن شما به بانک مرکزی فشار زیاد نقدینگی و تورم بود. شاید در آن شرایط آقای احمدی نژاد به این نتیجه رسیده بود که شما می توانید این رشد نقدینگی را کنترل کنید

□بله، این هم بود. ولی توجه اینکه چرا ایشان دعوت کرد را از من نپرسید، نمی توانم بگویم. از ایشان پرسید. در آن شرایط سیاست های به شدت انبساطی که من نام آن را سیاست های انبساط انفجاری یا انفجار انبساطی گذاشتم، در دو سال اول انجام شد. با وجود اینکه بعضی از اعضای دولت که مدعی این سیاست بودند تورمی بودن آن را نفی می کردند، بعداً با آن مواجه شدند. نفی کردن واقعیت که ممکن نیست. واقعیت های اجتماع چیزی است که بانفی آن توسط افراد متنفذ نمی شود. بانفی آنها تورم کنترل نشد. تورمی پیش آمد که دامن همه را گرفت و مردم هم بیشترین صدمه را دیدند، بویژه مردم کم درآمدی که همه این کارها در واقع به خاطر آنها انجام شد.

آقای احمدی نژاد هم حتماً متوجه این شده بود. اما این که برای کنترل تورم اینجانب را انتخاب کردند، من نمی توانم بگویم آقای احمدی نژاد باید بگوید. در مورد کنترل نقدینگی به بنده چیزی نگفتند اما در مورد کنترل و مهار تورم حتماً جزء برنامه ها و خواسته های ایشان بود. به آقای احمدی نژاد گفتم که دلیل بزرگ این تورم همان نقدینگی است که در حال تزریق به اقتصاد است. گفتم اگر دلش این است باید کنترل کنیم. البته آن مقطع که من به بانک مرکزی رفتم در داخل دولت ذهنیت این بود که تورم ربطی به نقدینگی ندارد.

■ معتقد به تورم وارداتی بودند؟

□نه، اصلاً آن موقع هنوز کالا های وارداتی هم گران نشده بود. در چند ماهه اخیر این گونه شد.

■ اما سال گذشته آقای داودی در یکی از سخنرانی های خود دلیل عمده تورم موجود را وارداتی عنوان کرد.

□مرداد و شهر یور ۸۶ تورم وارداتی معنا داشت. از

بهمن و اسفند یا ماه های اول سال ۸۷ این مسئله معنی پیدا کرد. آن موقع سوخت و مواد غذایی افزایش چندانی نداشت. آنها تحلیل های دیگری می کردند. می توانید پای صحبت های آقای داودی بنشینید و از ایشان پرسید. ولی آقای دکتر داودی به بنشینید و از ایشان بحث رابطه بین نقدینگی و تورم را نفی می کردند. آقای احمدی نژاد هم قضاوتی در این موضوع نداشتند که واقعاً باید آن را نفی کرد یا نه، ولی می دانستند که تورم را باید کنترل کرد.

■ فکر نمی کنید در کنترل نقدینگی دچار افراط و تفریط شدید؟

□دچار افراط نشدیم. من هنوز هم از کاری که انجام شد دفاع می کنم. در شرایطی آقای داودی و بعضی دوستان دیگر رابطه بین نقدینگی و تورم را نفی می کردند، بعد از آنکه ما تصویر روشنی از رشد نقدینگی و دلیل

اصلی آن که اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی بود نشان دادیم. این حرف مطرح شد که جلوی آن را بگیریم. به طور خاص آقای دکتر شرافت و آقای داودی (در حد کمتر) گفتند جلوی این مسئله را بگیریم، دیگر به بانک ها پول ندهید و این پولی را هم که داده اید همه اش را پس بگیریم، یعنی همان ۶ هزار میلیارد تومان اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی. این اضافه برداشت تا پایان سال به ۸ هزار میلیارد تومان رسید. با کنترل هایی که ما ایجاد کردیم روند روزه رشد اضافه برداشت ها تا حدودی کنترل شد و از ۶ هزار میلیارد تومان وسط سال به ۸ هزار میلیارد تومان در پایان سال رسید، یعنی فقط ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان اضافه شد.

نکته این بود که آقای شرافت و دوستان همفکر ایشان می گفتند که این ۸ هزار میلیارد تومان را هم از بانک ها پس بگیریم و بانک ها خودشان بروند هر طوری که می خواهند مسئله را حل کنند.

■ این سیاست که خیلی سخت تر از آن چیزی بود که شما در نظر داشتید و اجرا کردید پس گرفتن ۸ هزار میلیارد تومان از بانک ها کار ساده ای نیست و فعالیت آنها را قفل می کند.

□حتماً همین طور است. ما یک سیاست انبساطی متعادل را اجرا کردیم. ۶ هزار میلیارد تومان وسط سال ۱۳۸۶ به مبلغ ۸ هزار و ۸۰۰ تا در انتهای سال رسید. این رقم تازمانی که بنده از بانک بیرون آمدم ۱۳ هزار میلیارد تومان شد. البته آقای صمصامی می گفت، این رقم ۸ هزار میلیارد تومان بوده که شده ۲۰ هزار. او با یک محاسبه دیگر می گفت و در واقع خط های اعتباری را هم وارد این بحث می کرد. مهم نیست، چه ۸ هزار آقای صمصامی که شده باشد ۲۰ هزار و چه ۶ هزار تا اضافه برداشت که شده باشد ۱۳ هزار، ما یک سیاست انبساطی متعادل و متناسب با نیاز و تمهیدی که نظام بانکی به مردم در داخل و خارج داشت دنبال کردیم، البته با یک انقباض مشخص.

■ در ابتدای سال چقدر بود؟

در آن شرایط سیاست های به شدت انبساطی که من نام آن را سیاست های انفجار انبساطی یا انفجار انبساطی گذاشتم، در دو سال اول انجام شد. با وجود اینکه بعضی از اعضای دولت که مدعی این سیاست بودند تورمی بودن آن را نفی می کردند، بعداً با آن مواجه شدند

□ تا آنجا که به یاد دارم، اول سال ۱۳۸۶، حدود ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بود.

■ با روندی که خودتان گفتید رشد اضافه برداشت ها از خزانه بانک مرکزی در نیمه دوم سال یعنی با ورود شما به بانک مرکزی بیشتر شده.

□بله، این مسئله تازه بهمرحله رشد فرایند خود رسیده بود و ابتدای رشد تصاعدی آن بود. تازه شیب منحنی آن زیاد شده بود. به هر حال شبیهی که آنها پیش گرفته بودند اگر جلوی آن گرفته نمی شد حتماً تعداد بسیار زیادی از مردم به دلیل تورم ناشی از آن رنج می بردند.

من این منحنی و روند قبل و بعد آن را با توجه به اقداماتی که در حال اجرا بود در قالب جداول و نمودارهایی تهیه کرده ام و الان هم موجود است.

این کار چند مرحله داشت؛ یک مرحله این بود که رابطه نقدینگی و تورم نفی می شد. مرحله بعد زمانی بود که رابطه نقدینگی و تورم مشخص شد و رشد نقدینگی هم نشان داده شد. شاید اولین بار من اعداد این رشد را در آوردم. هم در دولت و هم در مصاحبه گفتم که ۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی به ۱۴۰ هزار میلیارد تومان رسید است.

۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی ظرف ۴۰ سال ایجاد شده بود و ۷۰ هزار میلیارد تومان ظرف دو سال. در دوره اول یعنی از زمانی که بانک مرکزی تأسیس شد، انقلاب داشتیم، جنگ داشتیم، زمان شاه، نفت ۲ دلاری شده بود ۱۲ دلار. تورم ۱۲ درصدی سال های ۵۲ تا ۵۷ بوده، تورم انقلاب، تورم جنگ، تورم بازسازی کشور، سیاست های اصلاح ساختاری و تغییر نرخ ارز همگی با هم جمع شده و در مردادماه ۸۴ تبدیل به حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی شد. این رقم در مردادماه ۸۶ تبدیل به حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان شده است.

ادامه این روند هم باشی که گرفته بود در آخر سال ۸۶ به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان می رسید. منحنی و محاسبات اقتصادی چنین رقمی را نشان می داد. بر اساس محاسبات دقیق اگر روند قبلی ادامه پیدا می کرد انتظار تورمی فرایند یا همه تبعات قابل پیش بینی و فروپاشی اقتصادی را با پدیده داشتیم.

عمده این نقدینگی هم به دلیل اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی و تسهیلات دمی آنها ایجاد می شد.

■ بانک مرکزی دلارهای نفتی را به بانک های داد؟

□نه، اصلاً به دلار نفتی ندارد.

■ پس این نقدینگی را چگونه به بانک های داد؟

□بانک مرکزی نقدینگی ایجاد می کند. تعبیر من در مورد خلق پول بانک مرکزی این است. بانک مرکزی برای ایجاد پول نیاز به جذب سپرده ندارد. بانک ها در خلق پول عین سدرج باز اینده رود عمل می کنند. پشت سد آب جمع می شود و به اندازه های که جمع می شود با یک نسبتی از زیر آن خارج می شود. اگر آبی پشت آن جمع نشود هیچ موقع از زیر آن هم خارج نمی شود، اما

چشمه نیاز به جمع شدن آب در جایی ندارد. از زیر زمین می‌جوشد. هر چقدر آب از دل زمین می‌جوشد به میزان آب روی زمین اضافه می‌شود. به همین دلیل پولی که بانک مرکزی می‌دهد مثل آب چشمه است. اضافه می‌شود، بدون اینکه لازم باشد از جایی گرفته باشد.

یعنی این پول وجود خارجی ندارد؟

اصلاً به پرداخت پول توسط بانک مرکزی نیاز ندارد. نیاز به سپرده قبلی ندارد، ولی بانک‌های تجاری و تخصصی باید سپرده داشته باشند. بانک‌ها مثل کارخانه هستند.

این خلق پول نباید قاعده داشته باشد؟

هر کس در هر جایی که توانی دارد یک قاعده‌ای هم دارد که باید آن را رعایت کند.

دلیل اضافه پول داشت بانک‌ها چه بود؟

۶ هزار میلیارد تومان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی ناشی از تعهداتی بود که بانک‌ها برای دادن اعتبار به مردم داشتند. این تعهدات از منابع خودشان بیشتر بود. کمبودش را از بانک مرکزی جبران می‌کردند. بانک مرکزی هم طبق روال و قاعده‌ای کمبود اعتبار بانک‌ها را تأمین می‌کند.

به هر حال اضافه برداشت هم قاعده و قانون دارد.

بله، به اضافه اینکه یک پارامتر باز دارنده دارد. بانک‌ها باید به ازای این اضافه برداشت‌ها به بانک مرکزی ۳۴ درصد جریمه پرداخت کنند. می‌گویند بانکی اگر با کمبود اعتبار مواجه شد می‌تواند از بانک دیگری قرض کند، می‌تواند تبلیغ کند و از مردم سپرده ویژه بگیرد. همین تبلیغاتی که برای جذب سپرده‌های ویژه انجام می‌دهند. آنجایی که دیگر نتوانستند از جای دیگری تأمین کنند می‌توانند از بانک مرکزی بگیرند که البته هزینه آن بالاتر از همه است. نرخ این اضافه برداشت در همه جای دنیا آن قدر بالاست که هیچ بانکداری نگیرد مگر اینکه برای رفع نیازهای خیلی فوری و واحد باشد.

حالا چه شد که این وضعیت پیش آمد و بانک‌ها به صورت نامحدود به برداشت از خزانه بانک مرکزی روی آوردند. وضعیت بانک‌ها مانند افرادی شده که در جهنم هستند و می‌گویند "هل من مزید". هر چقدر می‌گوییم تمام شد می‌گویند باز هم اگر پول دارید بدهید. حالا نمی‌دانند اگر باز هم بگیرند دارند آتش جهنم را تندتر می‌کنند.

علت افزایش اضافه برداشت، مجبور کردن بانک‌ها به دادن تسهیلات بود. توجه نکردند که آیا بانک‌ها برای این کار منابع دارند یا خیر؟ زمانی که بانک‌ها شروع به پرداخت تسهیلات کردند، پول کم آوردند و زمانی که کم آوردند سراغ بانک مرکزی آمدند. به همین دلیل ۳ هزار میلیارد تومان به ۶ هزار میلیارد تومان رسید و هر روز هم درخواست‌ها برای اضافه برداشت زیاد می‌شد. یکی از چیزهایی که برای من بسیار مهم بود و به آن توجه می‌کردم این اضافه برداشت‌ها بود. هر روز آمار

می‌گرفتم. با توجه به روند این اضافه برداشت‌ها توضیح دادم که اگر این روند با همین منوال پیش برود تا آخر سال میزان اضافه برداشت بانک‌ها به ۴۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. البته آقای مصمصامی می‌گفت الان به ۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده و مامی گویم به ۱۳ هزار میلیارد تومان. ما اضافه برداشت‌ها را می‌گوییم. آنها یک خط اعتباری دیگر هم دارند که آن را هم اضافه می‌کنند. به هر حال اگر به این عدد می‌رسیدیم با وجود اینکه بانک‌ها پول را تقسیم می‌کردند این پول خود عامل افزایش نقدینگی می‌شد و به حدود ۳۰۰ تا ۳۲۰ هزار میلیارد تومان می‌رسید.

در برنامه اخیر بانک مرکزی راه حل برای کاهش میزان اضافه برداشت بانک‌ها ارائه شد. نظر تان در مورد

تورمی پیش آمد که دامن همه را گرفت و مردم هم بیشترین صدمه را دیدند، بویژه مردم کم درآمدی که همه این کارها در واقع به خاطر آنها انجام شد

بعد از آنکه ما تصویر روشنی از رشد نقدینگی و دلیل اصلی آن که اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی بود نشان دادیم این حرف مطرح شد که جلوی آن را بگیرد

توانایی این راهکارها برای مقابله با مشکل فعلی نظام بانکی چیست؟

اینها دو بحث است؛ یکی اینکه به هر حال بانک‌ها دچار چنین مشکلی شدند. البته جلوی بدتر شدن این مشکل را گرفته‌ایم. دلیلی هم که اضافه برداشت از ۶ هزار میلیارد تومان به ۸ هزار میلیارد تومان رسید این بود که بانک‌ها منابع نداشتند که کارهای جاری‌شان را انجام دهند و این کارها متوقف بود. پول نداشتند که به ما بدهند و اسکناس بخرند تا شب عید در شعبه‌شان به مردم پول بدهند. اگر این پول را نمی‌دادیم و این رقم به ۸ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا نمی‌کرد بانک‌ها با کمبود منابع پولی مواجه می‌شدند. این مشکل حتی در تأمین اسکناس مورد نیاز شب عید مردم هم خودش را نشان می‌داد.

تعهدات بانک‌ها و اضافه برداشتشان از بانک مرکزی

از کجاشانی شد؟ اجبار دولت یا عملکرد نامناسب خود آنها؟

هر دو. اجبار دولت و سقف بالای تعهداتی که بانک‌ها برای خود ایجاد کرده بودند. سر رسید اعتبارات اسنادی بانک‌ها هم نزدیک شده بود. خیلی از این مسائل ناشی از سر رسید اعتبارات اسنادی بانک‌ها بود. الان هم همین اتفاق در حال رخ دادن است. بانک اعتبار اسنادی باز کرده، کالا از خارج آمده و باید ارز را به فروشنده بدهد. از کجا باید ارز بخرد؟ از بانک مرکزی. چگونه؟ ریال را باید یا از مشتری بگیرد یا خودش بیاورد به ما بدهد و ارز را بگیرد و به مشتری خارجی بدهد. بانک می‌آید می‌گوید ما ریال نداریم. ارز را به ما بدهد اما ریالش را از ما بگیر. ما هم گفتیم نمی‌شود، باید ریالش را بدهید. به سختی جلوی بانک‌ها ایستادیم. بعضی از بانک‌ها تعهداتشان به روز چهاردهم رسید، یعنی زمانی که دیگر نکول (واخواست) می‌شد، آن موقع به آنها پول دادیم. قریب ۸۰۰ میلیارد تومان برای اسکناس شب عید به بانک‌ها پول دادیم که پول آن را هم نگرقتیم. از آن ۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان، ۸۰۰ میلیارد تومان فقط اسکناس شب عید بود. حدود هزار و ۷۰۰ تا دو هزار میلیارد از آن ارزی بود که به بانک‌ها دادیم و ریالش را هم نگرقتیم، برای اینکه بتوانند پس اعتبارات اسنادی‌شان بر بیابند. اینکه چرا این تعهدات ایجاد شد دلیلش همان است که من برای آقای احمدی نژاد نوشته‌ام. من اسم آن را "یک‌اشتباه کوچک بزرگ" گذاشتم.

به چه معنی؟

اشتباه کوچک بزرگ همانی بود که من روزهای اولی که به دولت رفتم با آن مواجه شدم. آقای احمدی نژاد در یک جلسه هیأت دولت گفت که مانده اعتبارات بانک‌ها ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است و دوبار در سال می‌چرخد، با این حساب نقدینگی می‌شود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان. ۷۰ هزار میلیارد تومان از این رقم را اینجا که مامی گویم بدهید و ۲۱۰ هزار میلیارد تومان را بانک‌ها هر کاری که خودشان می‌خواهند بکنند.

بعد من در مورد این مسئله یکی دو بار مصاحبه کردم. گفتم اولاً دو بار در سال نمی‌چرخد. ایشان می‌گفت: "دو بار در سال می‌چرخد. فلان کس فامیل ماست، همسایه ماست از بانک پول می‌گیرد و دوبار در سال می‌چرخد." من گفتم اینکه فامیل شما مثلاً ۱۰ میلیون تومان از بانک وام می‌گیرد و دوبار در سال می‌چرخد، این یک بحث است، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان می‌چرخد، این میزانش معوق است که اصلش می‌چرخد. رودخانه یک مقدار باریک تر شد. این قدرش بدهی دولت است. به خورده باریک تر شد. این قدرش سود سال‌های آتی است. یک مقدار باریک تر شد. این قدر چیز دیگر، این قدر چیز دیگر و... همه اینها را پای تخته کشیدیم. هر انشعابی که از این رودخانه

بیرون می آمد، کوچکتر می شد. در نهایت مانند ۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان. ۳۰ هزار میلیارد تومان سرمایه در گردش واحدهای تولیدی موجود بود که آنجا مبحث واحدهای موجود و اشتغال موجود مطرح کردیم. اینها می گفتند نه از واحدهای موجود بگیرد و بدهید به واحدهای جدید.

منظور نگاه های زود بازده بود؟

حیله، آقای احمدی نژاد می گفت ایران خودرو. می گفت چرا ۳ هزار میلیارد تومان دست ایران خودرو است. ما می گفتیم ۳ هزار میلیارد تومان دست ایران خودرو است، الان نمی شود این میزان پول را از این شرکت پس گرفت. وقتی ماشینش زانو و تخت پول بانک را پس می دهد، ولسی باید دوباره بگیرد و ماشین تولید کند. مگر اینکه سرمایه اش اضافه شود یا اتفاقات دیگری بیفتد که در طرح نجات بود، ولی استدلال این بود که این پول دو بار در سال می چرخد. با این فرض ۷۰ هزار میلیارد تومان تهه جدید برای بانکها ایجاد کردند، در حالی که ۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد موجودی آنها بود.

این اعداد را که ارائه دادیم گفتند این عده ها قابل بحث است. گفتیم خوب بحث می کنیم. البته الان آن گزارش را در قالب یک اسلاید به صورت دقیق و بانمودار و تجزیه و تحلیل های قابل ارائه در آورده ام.

در کمیسیون نظارت هم این بحث را مطرح کردیم. در باره تمام موارد بحث کردیم. در مورد میزان سود سال های آتی، معوقات و همه نکاتی که در آن وجود داشت بحث کردیم و محاسبانمان را ارائه کردیم. بعد کم و زیاد شد. گفتیم عددش را درست می کنیم. در نهایت رسیدیم به ۱۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان، یعنی توان اعطای تسهیلات جدید بانکها ۱۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود ولی در مقابل ۷۰ هزار میلیارد تومان برای آنها تهه ایجاد کردند، این بود داستان «اشتباه کوچک بزرگ».

در جلسه کمیسیون نظارت مسئولین گفتند ۱۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان منابع بانکها است که سالی دوبار می چرخد. اعدادی که من به دست آورده بودم را یک مقدار کم و زیاد کرده بودند. آقای احمدی نژاد بقیه هم بودند. من در همان جلسه گفتم به خاطر هزار میلیارد تومان هیچ معامله ای را به هم نمی زنم. هزار میلیارد تومان که در بین این ارقام، عددی نیست. قبول؛ همان ۱۹ هزار و ۵۰۰ که شما می گوید، چون بحث ما اختلاف بین ۱۸ هزار و ۵۰۰ با ۱۹ هزار و ۵۰۰ نیست. ۵۰۰ میلیارد تومان هم به آن اضافه کنید، ۲۰ هزار میلیارد تومان. بنابراین ۲۰ هزار میلیارد تومان بگذارد؛ چرا ۲۰ هزار میلیارد تومان گذاشته اید؟ قبول کنید. اختلاف بر سر ۱۸ هزار و ۵۰۰ یا ۱۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان من از یک طرف و از طرف دیگر ۲۸۰ هزار میلیارد تومان آقای داودی بود که می گفت بانکها می توانند وام بدهند. این ۲۸۰ هزار میلیارد تومان اشتباهی است که متوجه نیستند چه ابعدی دارد. اشتباه کوچکی بود که ابعد بزرگی به همراه داشت.

در مورد بحث تسهیلات سود بانکی، آقای مصمصی باشما اختلاف منتهایی داشت.

حیله. من یک اختلاف اصلی با آقای مصمصی دارم و آن اختلاف سن است و تجربه. من نزدیک ۵۶ سال سن دارم و ایشان خیلی جوانتر هستند. من یک خورده یک جاهایی کار کرده ام و او کمتر کار کرده. اختلاف اصلی ما این است.

جدای از این اختلافاتی که اشاره کردید اعتقاد ایشان در مورد نرخ سود بانکی دقیقاً بر خلاف نظر شما بود.

تعمین مسائلی را که گفتیم در نظر بگیرد. ایشان می گوید بین نرخ سود بانکی و تورم هیچ رابطه ای نیست. بعد از بحث هایی که داشتیم مصاحبه کرد که ما در کمیسیون اقتصاد بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که هیچ رابطه ای بین نرخ سود بانکی و تورم نیست.

من یادداشتی به ایشان دادم. نوشتم که آقای مصمصی شما جوان خوب و پرت انرژی هستی، سعی کن مسائل را یک مقدار با عبارات دقیق تری بگویی. من اگر جای تو بودم می گفتم که ما جلسه گذاشته ایم و بررسی کرده ایم، رابطه ای بین اینها پیدا نکردیم. اینکه حکم کنی رابطه ای نیست خیلی ادعای بزرگی است، اما اینکه بگویی من

۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی ظرف ۴۰ سال ایجاد شده بود و ۷۰ هزار میلیارد تومان ظرف دو سال

علت افزایش اضافه برداشت، مجبور کردن بانکها به دادن تسهیلات بود. توجه نکردند که آیا بانکها برای این کار منابع دارند یا خیر؟

رابطه ای ندیدم عیبی ندارد. این اتفاق نقطه شروع خوب تکامل است که آدم دنبال چیزی بگردد و پیدا نکند. بعد دوباره بیشتر بگردد بلکه خدا به او کمک کند و رابطه و تعامل بین آنها پیدا کند.

آقای مصمصی چاه میزان تحت تاثیر عقاید و تفکرات آقای داودی بود؟

تعمین مسائلی را که گفتیم در نظر بگیرد. ایشان می گوید بین نرخ سود بانکی و تورم هیچ رابطه ای نیست. بعد از بحث هایی که داشتیم مصاحبه کرد که ما در کمیسیون اقتصاد بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که هیچ رابطه ای بین نرخ سود بانکی و تورم نیست.

ماجرای درگیری و مشاجره شما با ایشان چه بود؟

مشاجره و درگیری به آن معنی که آقای... نوشته بود حتماً درست نبود. داستان کاملش این بود: زمانی که آقای مصمصی سرپرست وزارت اقتصاد شده بود

اطلاعات بانکها را به صورت بی سیم جمع کرد. من گفتم این کار درست نیست و اطلاعات سیستم بانکی را نباید به این شیوه جمع آوری کرد. این را چند جا گفتم. بالاخره جمع بندی این شد که حرف مادر است. باید نظمی برای جمع آوری این اطلاعات در بانک و استفاده از آن وجود داشته باشد. همه جای دنیا هم این کار انجام می شود. دولت باید این اطلاعات را داشته باشد، حرفی نیست. همه جا هم دارند، ولی یک نظمی باید داشته باشد، نظمش هم این است که بانک مرکزی جایی است که اطلاعات بانکی همه افراد را به صورت سیستماتیک جمع آوری می کند. آن وقت اگر کسی متهم بود و از قوه قضاییه استعلام شد یا مالیات نداده بود یا به صورت موردی کسی متهم به پولشویی بود اطلاعاتش در اختیار مراجع قضایی قرار گیرد، ولی مصمصی خلاف این رویه عمل کرد.

اطلاعاتی که در قم از بانکها رالاه شده ناشی از همین اطلاعاتی بود که آقای مصمصی تهیه کرده بود؟

اطلاعاتی که در قم ارائه شد غلط بود. وزارت اقتصاد این اطلاعات را جمع کرد. آقای مصمصی این اطلاعات را داده بود. ما هم گفتیم غلط است. در یک جلسه گفتیم امکان ندارد یک خانم به عنوان یک فرد حقیقی ۱۸۰ میلیارد تومان از بانک تجارت تسهیلات گرفته باشد و مادر بانک مرکزی نفهمیده باشیم. امکان ندارد و حتماً می آیند تا بیدار می گیرند. یک آقای را هم گفتند ۸۰۰ میلیارد تومان گرفته.

جریان نوم افزا وزارت اقتصاد چه بود؟

اینکه نرم افزار مربوط به وزارت اقتصاد بود درست است. خود آقای پورمحمدی که این برنامه را ارائه داد گفت این اطلاعات غلط است و فقط برای نشان دادن ساختار است. تنها یک فایل اکسل بزرگ بود.

یعنی اعداد فرضی بود؟

تعمین مسائلی را که گفتیم در نظر بگیرد. ایشان می گوید بین نرخ سود بانکی و تورم هیچ رابطه ای نیست. بعد از بحث هایی که داشتیم مصاحبه کرد که ما در کمیسیون اقتصاد بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که هیچ رابطه ای بین نرخ سود بانکی و تورم نیست. برنامه تهیه شده به Core Banking ما وصل نیست. اطلاعاتی که مادر بانک مرکزی می گرفتیم از دفاتر کل بانکها بود. همان جا که اطلاعات تولید می شود یک نسخه اش هم در بانک مرکزی می آید. اینها به بانکها دستور دادند به شعب خود بگویند هر پرداختی که انجام می شود روی کاغذ بنویسند و بعد از طریق سی دی به ما بدهند. آقای مصمصی در آخر انتقال اطلاعات را به صورت بی سیم کرده بود. اولاً معلوم نبود که چقدر از آن درست است و چقدر غلط، چون به سیستم دفاتر کل بانکها وصل نبود. بنابراین تا بیدار تاپ مجدد امکان اشتباه وجود داشت.

در جلسه ای که این نرم افزار ارائه شد دو سه اشتباه تایپی هم در آن گزارش وجود داشت. اتفاقاً بزرگترینش هم مربوط به بانک تجارت بود. از آنجایی هم که اعداد واقعا بزرگ بودند در همان جلسه که مطرح شد همه حساس شدند که چرا به یک نفر ۸۰۰ میلیارد تومان تسهیلات داده شده. خود آقای پورمحمدی که داشت این برنامه

را ارائه می داد گفت به این اعداد اتکا نکنید، ممکن است غلط باشد. آقای قضاوی هم در آن جلسه حضور داشت. گفت این یک جایش غلط است. نمی دانیم کجا اشتباه صورت گرفته، ولی حتماً یک جایش غلط است. من هم گفتم که اصلاً امکان ندارد که بانک تجارت به یک نفر ۸۰۰ میلیارد تومان تسهیلات داده باشد و از ما اجازه نکرده باشد و یا حتی از ما اجازه گرفته باشد و ما یادمان نباشد. گفتیم به این اتکا نکنید و مارشبه این اشتباه را پیدا می کنیم. به فاصله سه روز هم پیدا کردیم که از کجا بوده. حتی در همان جلسه گفتند ببینیم خانم... که بر اساس نرم افزار فوق ۱۸۰ میلیارد تومان از بانک تسهیلات گرفته، از جاهای دیگر هم تسهیلات گرفته و اگر گرفته چقدر بوده است؟ چون این سیستم می تواند چنین چیزی را هم جواب بدهد. مشخص شد که از بانک ملی هم ۳۰۰ هزار تومان گرفته. من همانجا گفتم یکی از دلایلی که می گویم این اطلاعات غلط است همین است. وقتی یکی ۱۸۰ میلیارد تومان می گیرد که نمی رود ۳۰۰ هزار تومان بگیرد. باین ۳۰۰ هزار تومان غلط است یا آن ۱۸۰ میلیارد تومان. بالاخره یکی از اینها غلط است.

بعد مشخص کردیم که وقتی داشتند اعداد را تایپ می کردند عددی که بوده باید ضریب ۰/۹ می کردند و می نوشتند. وقتی می خواستیم در کامپیوتر عددی را ضریب ۰/۹ کنیم باید روی کیبرد بزنیم ستاره (*)، ۹۰ د (/)، ۱۰۰. اینها به جای د (/) ستاره (*) زده بودند. یعنی شده ۹۰ ضریب ۰/۹، بنابراین به جای ۰/۹ شده ۹۰۰ به عبارتی عددی که به دست آمده ۱۰ هزار برابر عدد صحیح بوده. ۱۸۰ میلیارد تومان در حقیقت ۱۸ میلیون تومان بود، یعنی خانم... تنها ۱۸ میلیون تومان تسهیلات گرفته بود، اما در این نرم افزار به همان دلیلی که عرض کردم شده بود ۱۸۰ میلیارد تومان. بالاخره در این همه عدد چند مورد اشتباهی هم ممکن است اتفاق افتاد باشد.

ما گفتیم که این نحوه جمع آوری اطلاعات توسط وزارت اقتصاد درست نیست. نرم افزاری که این وزارتخانه برای جمع آوری اطلاعات تهیه کرده ضعیف است. نظر ما این بود که چون جمع آوری اطلاعات متکی به دفاتر بانکها نیست ممکن است اشتباهی در اعداد و ارقام به وجود بیاید. رئیس جمهور هم گفت که این برنامه را به بانک مرکزی بدهند تا تکمیل شود. در جلسه ای که یکی از پنجشنبه ها با حضور من، آقای صمصامی، آقای داودی و آقای احمدی نژاد برگزار شد. آقای احمدی نژاد به آقای صمصامی گفتند روز شنبه این کار را تحویل مظاهری بدهید. ما هم قرار گذاشتیم. شنبه صبح زنگ زدیم گفتیم قرار مان پیرچا است؟ صمصامی گفت بله ساعت یک و نیم یا اینجا. ما هم ساعت یک و نیم رفتیم وزارت اقتصاد. من بودم و بوشهری و مهرانی. بوشهری به عنوان مدیر نظارت بر بانکها و مهرانی به عنوان مسئول فناوری اطلاعات. رفتیم داخل اتاق ایشان

و گفتیم آمده ایم این برنامه را تحویل بگیریم. گفت: نه، من این کار را نمی کنم.

ساعت یک و نیم بعد از ظهر بود. از همان جا گفتم دفتر آقای احمدی نژاد را بگیرید من صحبت کنم. تماس گرفتند دفترشان گفتند دار دنماز می خواند. ساعت یک اذان می شد.

صمصامی هم آنجا بیکه خورد و تند می کرد. من هم گفتم اینها را بگذار برای بعد. آمدم بیرون و سوار ماشین شدم و رفتم دفتر آقای احمدی نژاد. وقتی رسیدم، نماز ش تازه تمام شده بود. گفتم دو دقیقه کار دارم. رفتم داخل اتاق و ماجرا را تعریف کردم. گفتم شما پنجشنبه این طور گفتید. من قرار گذاشتم، رفتم آنجا، صمصامی گفت نرم افزار را تحویل نمی دهم. احمدی نژاد پرسید: رفتی دفترش؟ گفتم بله. گفت با صمصامی قرار گذاشته بودی رفتی دفترش؟ گفتم بله. الان هم از دفتر ایشان آمدم خدمت شما.

گوشی را برداشتم و دفتر صمصامی را گرفتم و گفتم: اینهایی که مظاهری می گوید درست است؟ چیزهایی را که او می گفت من نمی شنیدم. آقای احمدی نژاد گفت: این حرفها را بگذار کنار. مظاهری الان می آید آنجا. هر چه می خواهد به او بدهید.

یکی از ۶ بار استعفایی که آقای احمدی نژاد گفت همین بار بود، البته به صورت شفاهی. گفتم این طور که نمی شود، شما پنجشنبه بعد از سه چهار بار مطلق این جور گفتید

- به ایشان گفتید که استعفایم بدهید؟
- استعفاندام. گفتم این طور نمی شود کار کرد.
- واقعا ۶ بار استعفایم دادید؟

اطلاعاتی که در قم ارائه شد غلط بود. وزارت اقتصاد این اطلاعات را جمع کرد... در یک جلسه گفتم امکان ندارد یک خانم به عنوان یک فرد حقیقی ۱۸۰ میلیارد تومان از بانک تجارت تسهیلات گرفته باشد و ما در بانک مرکزی نفهمیده باشیم

□ اگر اسم این را استعفایم بگذارید، شاید ولی اسم این عبارات و مذاکرات استعفانست. خلاصه بر گشتم دفتر آقای صمصامی. به بوشهری و مهرانی هم گفتم، آمدند و رفتیم صمصامی برنامه را تشریح کرد و گفت: در عین حال باید باشد من این را

جمع و جور کنیم بعد تحویل شما بدیم. یعنی باز هم برنامه را تحویل نداد؟

□ نه.

■ بحث بر کناری یا استعفای شما در همین مدت یک ساله ای که رئیس کل بانک مرکزی بودید زیاد مطرح شد؟ اینکه آقای احمدی نژاد چندین بار می خواسته شما را بر کنار کند اما بنا به ملاحظات یا سفارشات این کار را نکرده.

□ من هیچ وقت چنین چیزی نشنیدم.

■ طرح ادغام بانکها را چه کسی تهیه کرده بود؟

□ طرح آقای صمصامی بود. خبرهای شما باعث شد تا جلوی اجرای این طرح گرفته شود.

■ آقای رئیس جمهور از این طرح مطلع بود؟

□ بله، خبر داشت.

■ قرار بود این اتفاق بیفتد؟ ظاهراً طرح ادغام بانکها تنها منتظر امضای آقای داودی بود.

□ بله.

■ شما خودتان با این کار مخالفت نکرده بودید؟

□ چرا.

■ قبول نکردند؟

□ نه.

■ اگر یادتان باشد خبرگزاری فارس به خاطر خبر استعفای شما سه روز توقیف شد، اما شنیدیم ناراحتی از خبرگزاری فارس بیشتر به خاطر خبر ادغام بانکها بود.

□ من مطمئن نیستم ولی احتمال دارد که همین طور بوده باشد.

■ روزی که خبر استعفای شما از فارس منمکنس کرد، چه اتفاقی افتاد؟ و کنش دولت در مقابل این خبر چه بود؟

□ روزی که شما خبر استعفای من را زدید یکی از روزهایی بود که ما جلسه ۴ نفره داشتیم؛ من و آقایان احمدی نژاد و داودی و صمصامی، تا ساعت هشت و نیم شب جلسه هیات دولت بود. بعد از هشت و نیم گفتند یک جلسه چهار نفره در دفتر آقای احمدی نژاد داریم. نماز مغرب را خواندیم و رفتیم دفتر آقای احمدی نژاد. فکر می کنم ساعت یازده و نیم بیرون آمدیم.

ما زمانی که در جلسه هیات دولت هستیم گوشی موبایلمان را کنار می گذاریم. دفتر آقای احمدی نژاد هم که رفتیم گوشی هایمان را نبر داریم. من که داخل ماشین نشستم، می خواستم به سمت خانه حرکت کنم گوشی هایم را نگاه کردم، دیدم بیست، سی تا اس ام اس آمده و بیست، سی تلفن های بی جواب افتاده.

اس ام اس ها تقدیر و تشکر بود. همشاه هم از طرف خبر نگارها یا همکارها. محور همه آنها هم در مورد خبری بود که شما ساعت نه یا نه و نیم روی خروجی گذاشته بودید. آن ساعت هم ساعتی بود که مادر اتاق آقای احمدی نژاد بودیم. من دیدم و گفتم خوب عیب ندارد.

بالاخره رسیدم به خانه. پسر و نوهام هم از سفر آمده

بودند. یک مقدار بانو هم بازی کردم و یک مقدار هم با پسر صحبت کردم. ساعت حدود دوازده و ربع شب بود که از دفتر آقای احمدی نژاد زنگ زدند. خود آقای احمدی نژاد بود. گفت چنین خبری در خبرگزاری فارس منعکس شده. گفتیم بله من هم آمدم بیرون متوجه شدم. گفت نه این دروغ است، درست نیست و محکم باش. گفتیم حالا من که حرفی ندارم و اصلاً ناراحت نشده‌ام. این جمله را هم به ایشان گفتیم که فرض من این است که این مقدمه سازی است برای اجرای تصمیم شما، ولی این کار مقدمه سازی نیاز ندارد. گفت: نه اصلاً مقدمه سازی نیست. من هم اقدام خودم را کرده‌ام و می‌کنم. گفتیم حالا واقعیت هم داشته باشد از نظر من عیبی ندارد. این خلاصه بحث آن شب ما بود با آقای احمدی نژاد.

کرده بودند در نهایت به نتیجه نرسیدند. البته شاید دلایل دیگری هم داشته باشند که باید خود آقای مصمصامی پاسخ بدهد. ولی تیر خلاصش روز پنج شنبه‌ای بود که من ساعت ۱۰ صبح با یکی از مدیران عامل بانک‌ها قرار داشتم. ساعت هشت و نیم زنگ زد که ساعت ۱۰ قرار است بیایم پیش شما. از طرف دیگر آقای مصمصامی هم گفته به جلسه مدیران عامل بانک‌ها با استانداران در وزارت اقتصاد برویم. جلسه در مورد بسته سیاستی بانک مرکزی بود که کمیسیون اقتصاد ابلاغ کرد. گفت من چه کار کنم؟ گفتیم برو آنجا، ما یک زمان دیگر قرار می‌گذاریم. قطع کردیم و من گفتیم شماره مصمصامی را بگیرند که با او صحبت کنم، ببینم که در مورد بسته سیاستی چه کار می‌خواهد بکند. زنگ زد، منشی

می‌رویم. برای اینکه همان لحظه ما تصمیم گرفتیم و قرار شد که برویم. خلاصه آمد و گفت ببخشید، گفته‌اند که فقط آنهایی که دعوت شده‌اند در جلسه شرکت کنند. گفتیم کار خوبی کرده‌اند. اصلاً به روی خودم نیاوردم که معنی این حرفش این است که تو نور و رفته سمت آسانسور. دوباره آمد گفت که "یعنی گفته‌اند شما نرو". گفتیم این حرفها چه؟ بحث بسته سیاستی است و او هم احترام کرد. خلاصه رفتیم وارد جلسه شدیم. من هم معمولاً جایی که وارد می‌شوم دم در می‌نشینم. این دفعه رفتم کنار دست آقای مصمصامی نشستم. بسته سیاستی هم که تازه آقای داودی ابلاغ کرد بود و من گفته بودم قابل ابلاغ نیست، متن اولیه بسته سیاستی من را تکذیب کرده بودند و گذاشته بودند روی میز همه. به هر استانداری و هر مدیر عاملی یک جلد داده بود و داشت توضیح می‌داد. ما هم رفتیم و کسی هم من توضیح دادم.

ساعت یازده و نیم یا یک ربع به دوازده بود که من گفتیم باید بروم. آقای بهمنی و آقای قضاوی هستند، توضیحاتی لازم باشد می‌دهند. چند تا از استاندارها اعتراض کردند که یعنی چه؟ ما را ۷۰۰ کیلومتر کشتاده‌ای اینجا حالا می‌خواهی بروی؟ همان جا گفتیم که محض اطلاعات من شمارا دعوت نکردم، من خودم هم بی دعوت آمده‌ام، به زور و پررو بازی آمده‌ام داخل. این را هم اینجا گفتیم و رفتیم.

وسط جلسه یک یادداشتی به آقای مصمصامی دادم و نوشتم که دم در که می‌آمدم همکار تان گفت من دعوت نشده‌ام، آیا چنین چیزی بوده؟ مصمصامی گفت نه بیخود کرده، قدم شماروی چشم. کاغذ را گرفتم. بیرون که آمدم رئیس دفترش را صدا کردم و کاغذ را نشان او دادم. گفت شما گفتید که ایشان این جور گفته، این کاغذ را ببینید. گفتند آقای مصمصامی اسم آورده گفته مظاهری راه ندهید. کاغذ را یک کپی گرفتم و کپی را به ایشان دادم.

جلسه تا ساعت یک، یک و نیم طول کشیده بود. ساعت سه پور محمدی به من زنگ زد که حکم اخراج من را داده‌اند دستم. مصمصامی فکر کرده بود که پور محمدی به من گفته که چنین جلسه‌ای هست و تو هم بیا. با وجود اینکه بنده خدا اصلاً خودش هم خبر نداشت. من هم ماشین فرستادم دنبالش و آمد بانک مرکزی و نشستیم یک مقدار صحبت کردیم و بعد هم مسئولیت مشاوران شد برای ایشان تعیین کردیم.

به عنوان آخرین پرسش. شما زمانی که رئیس کل بانک مرکزی شدید، حساب ذخیره ارزی را با چه میزان موجودی تعویض گرفتید.
 □ در حال حاضر آن را نپرس.
 □ ولی رقم موجودی فعلی که اعلام شد، ۲۵ میلیارد دلار است.
 □ اگر رسماً اعلام شده حتماً درست است.



دفترش گفت الان جلسه دارد. بعد گفت تجدید وضو می‌کند و همین طور چند بار تا ساعت ده دقیقه به ده زنگ زد که گفتند رفته طبقه پنجم، جلسه.

گفتم این جلسه ساعت ۱۰ قرار است برگزار شود و من می‌خواهم الان با ایشان صحبت کنم. گفت که به مصمصامی می‌گوید تا با من تماس بگیرد، ولی دیگر تماس نگیرد.

آقایان بهمنی، راهی و قضاوی هم آنجا بودند. گفتیم چنین چیزی است. ایشان یک چنین جلسه‌ای گذاشته و می‌خواهد در این جلسه بحث بسته سیاستی مطرح کند. ما هم که نیستیم. خلاصه پس از مشورتی که کردیم قرار شد آقای بهمنی و آقای قضاوی بروند، ولی بعد قرار شد سه تایی برویم. من و بهمنی و قضاوی آماده شدیم و رفتیم که سر زده در این جلسه شرکت کنیم.

همه استاندارها و همه مدیران عامل بانک‌ها هم بودند. ما هم رفتیم. از در وزارتخانه که وارد شدیم، رئیس دفتر آقای مصمصامی که از ریاست جمهوری به آنجا رفته بود، آمد و سلام علیک کرد. با خبر شده بود که ما داریم به آنجا می‌رویم. جالب است که من از دفترم که راه افتادم به آنها خبر داده بودند که ما داریم به وزارت اقتصاد

بعداً شنیدم که آقای صفارهرندی گفته بود که مظاهری وقتی این خبر را دیده سراسیمه شده و زنگ زده بود به رئیس جمهور. واقعاً من نه سراسیمه شدم و نه ناراحت. من اصلاً زنگ نزدی. آرامش هم داشتم. وقتی هم که آقای احمدی نژاد به من زنگ زد، گفتیم که ما این خبر را من به عنوان مقدمه این اقدام تلقی می‌کنم، چون شما هم معمولاً از این کارها که می‌خواهید بکنید اول به فارس می‌دهید تا شایعه‌اش را ببیند از دو بعد رسمی می‌شود. بعد هم انجام می‌شود. این جریان را هم فکری نمی‌کنم از همان نوع باشد. هیچ ناراحت هم نیستیم، کار تان را بکنید. ایشان هم گفت نه چنین چیزی نیست.

برداشتن آقای پور محمدی از وزارت اقتصاد با دستور آقای مصمصامی بود؟
 □ بله، مصمصامی سرپرست وزارت اقتصاد بود و پور محمدی را برکنار کرد.
 □ بعد رئیس جمهور دستور بازگرداندن ایشان را داد؟
 □ بله، دستورش را داد.
 □ چرا آقای مصمصامی آقای پور محمدی را برداشت؟
 □ دلیلش اختلاف دیدی بود که در رابطه با بحث ادغام بانک‌ها داشتند. یک شب هم با آقای مصمصامی صحبت